

تفسیر قرآن

در



عباس گوثری

توانایی بر همانندی آن نداشته باشند. و بدین وسیله جادوی آنان را باطل نمود. و خداوند عیسی علیه السلام را در زمانی به پیامبری فرستاد که انواع بیماریها در آن وجود داشت. و مردم نیازمند درمان‌های پزشکی بودند. بدین جهت خداوند به او معجزه ای داد. که دیگران از آن بی بهره بودند او مردگان را زنده می‌نمود و کوران مادرزاد را شفا می‌داد و بیماری پسی را بهبودی می‌بخشید. و بعثت محمد صلی الله علیه و آله در زمانی بود که سخن سرایی و خطابه - و گمان می‌کنم که امام کلمه شعر را نیز فرمود - مردم را تحت تأثیر گسترده و جو غالب خود قرار داده بود. بدین سبب از جانب خدا مواعظ و حکمتهایی به پیامبر صلی الله علیه و آله داده شد که بطلان گفتار و سخنان کافران را آشکار و حجت را بر آنان تمام نماید.^۱

قرآن کریم معجزه جاوید و جهانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است که در ابعاد مختلف اعتقادی، تربیتی - علمی، خبرهای غیبی و ... تجلی یافته است و این همه را در ساختار اعجاز بیانی فصاحت و بلاغت، نظامی دل آرا داده است. امام رضا علیه السلام راز و رمز این نظام را این چنین بیان فرموده است:

این سکیت می‌گوید: به حضرت رضا علیه السلام گفتم: چرا خداوند موسی را با معجزه عصا و ید بیضا و ابزار «باطل کننده» سحر فرستاد؟ و چرا عیسی علیه السلام را با طب و محمد صلی الله علیه و آله را با کلام و سخن و «اعجاز بیانی» مبعوث نمود؟ امام پاسخ داد: چون خداوند موسی علیه السلام را مبعوث نمود، در میان مردم سحر و جادوگری رواج داشت، او از جانب خدا معجزه‌های آورد که مردم آن زمان

تفسیر قرآن در کلام معصومین علیهم السلام
جلوهای دیگر دارد که برخی از آن را در کلام
امام رضا علیه السلام به نظاره می‌نشینیم.

۱ - تفسیر سوره حمد

امام رضا علیه السلام در حدیثی از پدران بزرگوار
خود از امیرالمومنین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود
از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که خداوند فرموده است
من سوره حمد را میان خود و بندهام تقسیم
کرده‌ام نیمی از این سوره برای من و نیمی از
آن برای بنده من است. و هر چه بخواهد
اجابت می‌شود هنگامی که بنده می‌گوید:
« بسم الله الرحمن الرحيم » خداوند بزرگ
می‌فرماید بندهام به نام من آغاز کرد و بر من
است که کارهای او را کامل نمایم. و برای او
در همه حالاتش برکت قرار دهم و هنگامی
که می‌گوید « الحمد لله رب العالمين »
خداوند بزرگ می‌فرماید بندهام مرا حمد و
ستایش نمود و دانست نعمتهایش را که دارد
از ناحیه من است و بلاهایی را که از او دور
کردم با احسان من بوده است گواه باشید که
من نعمتهای سرای آخرت را بر نعمتهای
دنیا می‌افزایم و بلایی آن جهان را نیز
از او دفع می‌کنم.

همانگونه که بلاهای دنیا را از او دور
کردم و هنگامی که می‌گوید « مالک يوم
الدين » خدا می‌فرماید: گواه باشید
همانگونه که او حاکمیت و مالکیت روز جزا

را از من دانست من در روز حساب، حسابش
را از آسان می‌کنم. اعمال نیکش را می‌پذیرم و
از بدیهایش صرف نظر می‌نمایم و هنگامی
که می‌گوید: « اياک نعبد » خداوند بزرگ
می‌گوید بندهام راست می‌گوید تنها مرا
پرستش می‌کند من شما را گواه می‌گیرم که
بر عبادتش ثوابی به او بدهم که همه
مخالقان عبادت او به حالش حسرت بخورند
و هنگامی که می‌گوید: « اياک نستعين »
خدا می‌گوید بندهام از من یاری خواسته و
تنها به من پناه آورده گواه باشید من او را در
کارهایش کمک می‌کنم و در سختیهای یاریش
می‌نمایم و در روز پریشانی دستش را
می‌گیرم و هنگامی که می‌گوید « اهدنا
الصراط المستقيم » خداوند می‌گوید این
خواستۀ بندهام برآورده است و او هر چه
می‌خواهد از من بخواهد که من اجابت
خواهم کرد و آنچه را امید دارد به او
می‌بخشم و از آنچه بیم دارد ایمنی‌اش
می‌دهم. ۲ علامه طباطبائی رحمته الله علیه پس از نقل
این روایت می‌نویسد: این روایت همانطور
که ملاحظه می‌نمائید سوره فاتحه الکتاب را
تفسیر می‌کند و مؤید گفته قبلی ماست که
گفتیم این سوره کلام خدای سبحان است
اما به نیابت از طرف بندهاش که در مقام
عبادت و اظهار عبودیت بیان می‌دارد و
پروردگار خویش را ستایش می‌کند و این
سوره در اصل برای عبادت قرار داده شده و

در قرآن هیچ سوره‌ای نظیر آن دیده نمی‌شود.^۳

۳- اعجاز عملی قرآن

حسین بن خالد می‌گوید از امام ابی الحسن الرضا علیه السلام پرسیدم اینکه خداوند فرموده (و السَّمَاءُ ذَاتُ الْحَبِکِ) « سوگند به آسمان که دارای راهپه‌است » یعنی چه؟ فرمود: این آسمان راههایی به سوی زمین دارد. حسین بن خالد می‌گوید: عرض کردم چگونه می‌تواند آسمان راه ارتباطی به زمین داشته باشد در حالی که خداوند می‌فرماید: آسمانها بی ستون است امام فرمود: سبحان الله ایس الله یقول بغير عمد ترونها . قلت بلی فقال : ثمَّ عمد ولكن لا ترونها : آیا خداوند می‌فرماید بدون ستون است که قابل مشاهده باشد من عرض کردم آری فرمود پس ستونهایی هست ولكن شما آنرا نمی‌بینید.^۴

یکی از مفسرین پس از نقل این حدیث می‌نویسد: این آیه با توجه به حدیثی که در تفسیر آن وارد شده است پرده از روی یک حقیقت علمی برداشته که در زمان نزول آیات، بر کسی آشکار نبود چرا که در آن زمان هیئت بظلمیوس با قدرت هر چه تمامتر، بر محافل علمی جهان و بر افکار مردم حکومت می‌کرد و طبق آن آسمانها به صورت کراتی تو در تو همانند طبقات پیاز روی هم قرار داشتند و طبعاً هیچکدام معلق و بی ستون نبود بلکه هر کدام بر دیگری تکیه داشت ولی حدود هزار سال بعد از نزول

۲- تفسیر بسم الله

شیخ صدوق، در کتاب عیون اخبار الرضا و معانی الاخبار از حضرت رضا علیه السلام روایتی نقل کرده که در معنای جمله بسم الله فرمود: معنایش این است که من خود را به علامتی از علامتهای خدا نشاندار می‌کنم. « تا همه بدانند که من بنده خدا هستم » شخص پرسید؟ سمه در کلمه بسم الله به چه معناست فرمود: به معنای علامت^۵

نویسنده میزان، پس از نقل این حدیث می‌نویسد: این معنا بر این اساس است که بای برای ابتدای است چون استعانت در سوره حمد ذکر شده و چون بنده خدا، عبادت خود را به علامتی از علامتهای خدا علامت می‌زند باید نفس خود را هم که عبادتش منشعب به آن است به آن علامت بزند.^۵

در نتیجه گوینده بسم الله علاوه بر اینکه در ظاهر کارهای خود را با نام خدا علامت گذاری می‌کند، روح و حقیقت و جان خویش را نیز مظهر فناء فی الله قرار می‌دهد. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین.^۶

این آیات، علم و دانش بشر به اینجا رسید که افلاک پوست پیازی، به کلی موهوم است و آنچه واقعیت دارد، این است که کرات آسمان هر کدام در مدار و جایگاه خود، معلق و ثابت اند، بی آنکه تکیه گاهی داشته باشند و تنها چیزی که آنها را در جای خود ثابت می‌دارد، تعادل قوه جاذبه و دافعه است که یکی ارتباط با جرم این کرات دارد و دیگری مربوط به حرکت آنهاست این تعادل جاذبه و دافعه به صورت یک ستون نامرئی، کرات آسمان را در جای خود نگه داشته است حدیثی که از امیر المؤمنان علیه السلام در این زمینه نقل شده بسیار جالب است طبق این حدیث امام فرمود: «این ستارگانی که در آسمانند، شهرهایی هستند همچون شهرهای روی زمین که هر شهری با شهر دیگر (هر ستاره‌ای با ستاره دیگر) با ستونی از نور مربوط است.

آیا تعبیری روشن تر و رساتر از ستون نامرئی یا (ستونی از نور) در افق ادبیات آن روز برای ذکر امواج جاذبه و تعادل آن با نیروی دافعه پیدا می‌شد.^۸

در قرآن کریم از خداوند متعال با صفت «لطیف» یاد شده است.^۹

امام علی ابن موسی الرضا می‌فرماید: اینک می‌گوئیم خداوند لطیف است به خاطر آن است که مخلوقات و آفریده‌های لطیف آفرید و بدین جهت است که از اشیاء ظریف

و ناپیدا آگاه است آیا آثار صنع او را در گیاهان لطیف و غیر لطیف نمی‌بینی و آیا نمی‌بینی که مخلوقات و حیوانات کوچک و حشرات ریز و چیزهایی که از آن هم کوچکتر از آثار صنع اوست موجوداتی که به چشم نمی‌آیند و به قدری کوچک اند که نر و ماده و تازه و کهنه آنها نیز شناخته نمی‌شود.^{۱۰}

امام علیه السلام در این حدیث با تفسیر معنای لطیف یکی از معجزات علمی قرآن را بیان می‌دارد زیرا این حدیث اشاره به میکروبها و حیوانات ذره‌بینی نموده که قرن‌ها قبل از پاستور بیان شده است.^{۱۱}

پی‌نوشتها:

۱. اصول کافی، ج ۱، کتاب عقل و جهل حدیث ص ۲۰- و البیان فی تفسیر القرآن ص ۵۰
۲. المیزان ج ۱، ص ۳۷- تفسیر نمونه، ج ۱ ص ۷
۳. المیزان، ج ۱، ص ۲۸
۴. عیون اخبار الرضا و معانی الاخبار به نقل از المیزان، ج ۱، ص ۲۰.
۵. همان.
۶. سوره انعام / ۱۶۲؛ یوسف / ۱۰۰؛ حج / ۶۳؛ لقمان / ۱۶/
۷. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۷۸ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۱۰.
۸. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.
۹. انعام / ۱۰۳.
۱۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱۹ باب آخر و هو من الباب الاول.
۱۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۸۷.